



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶
تلفن: ۰۲۲۸۸۶۵۴۳۹۰
نمابر: ۰۷۱۹۸۸۸۰
تلفن آگهی‌ها: ۰۸۸۱۹۲۸۷۷
امور مشترکین: تلفن: ۰۲۲-۸۸۸۱۴۲۳۳
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز
تلفن: ۰۵-۶۶۲۷۲۱۳۰
چاپ: گل‌ریز
تلفن: ۰۶۶۷۹۵۴۴۲
www.sharhdaily.ir

تهران : اذان ظهر ۱۱:۴۸ اذان مغرب ۱۷:۱۹ اذان صبح فردا ۵:۱۲ طلوع آفتاب ۶:۳۸

شَرِّحْ

روزنامه

سه‌شنبه ۲۱ آبان ۱۳۹۲ • ۸ محرم ۱۴۳۴ • ۱۲ نوامبر ۲۰۱۳ • سال یازدهم • شماره ۱۸۸۰ • ۱۶صفحه

مرگ مولف

۱۶ سال بدون «محمدعلی جمال‌زاده»

کلی گوی و جزیی نگر



یونس تر اكمه

● «ولی از مهم‌ترین فایده‌های رومان و انشای رومانی فایده‌ای است که از آن عاید زبان و لسان یک ملت و مملکتی می‌گردد چونکه فقط انشای رومانی که مقصود از آن انشای حکایتی باشد خواه به‌شکل کتاب یا قطعه «تیاتر» و یا نامه و غیرهم می‌تواند موقع استعمال برای تمام کلمات و تعبیرات و ضرب‌المثلا و اصطلاحات و ساختمان‌های مختلف کلام و لهجه‌های گوناگون یک زبانی پیدا کند و حتی درواقع جعبه حبس صوت گفتار طبقات و دسته‌های مختلفه یک ملت باشد.» (یکی بود یکی نبود،دبیاچه)

سیدمحمدعلی جمال‌زاده در کنار پدرش و دیگرانی که برای رسیدن به دموکراسی، در ساده‌ترین معنا و مفهوم آن، مبارزه می‌کردند رشد کرد؛ و زمانی دموکراسی برای او از مفهوم به واقعیت تبدیل شد که در ۱۶سالگی به لبنان و بعد به سوییس رفت (۱۹۰۸ و ۱۹۱۰). همه‌چیز گویا در انقلاب مشروطه متجلی شده بود و همه‌چیز از آن قیاس بزرگی شروع شد که اولین کاروان دانشجویی که به اروپا گسیل شدند انجام دادند. جوانانی که رفتند تا ببینند و بیاموزند آنچه را که اروپایی دارد و ما نداریم؛ و دیدند همه آنچه اروپایی‌ها دارند حاصل دموکراسی در حکومت‌هاست. می‌دانیم که مبارزات برای رسیدن به دموکراسی منجر شد به انقلاب مشروطیت و جمال‌زاده که قبل از مهاجرت در کنار پدری رشد کرده بود که از ارکان ایسن مبارزه بود، بعد از مهاجرت با واقعیتی مواجه شد که قبل از آن و در ایران فقط یک مفهوم بود برای او: دموکراسی. او انگار لحظه‌به‌لحظه و در هرچه که می‌دید و هرچه که می‌خواند در پی کشف این چرایی بود؛ اینکه چرا آنها آنگونه زندگی می‌کردند و ما اینگونه چرا حکومت آنها آنگونه بود و حکومت ما اینگونه و چرا ادبیات آنها آنگونه بود و ادبیات ما اینگونه؛ و جواب همه این چرایی‌ها را او به‌درستی در مفهوم دموکراسی پیدا می‌کرد.

اما در ایران ما بدبختانه عموما یا از شیوه پیشینیان برون‌نهادن را مایه تخریب ادبیات دانسته به‌این معنی که شخص نویسنده وقتی قلم در دست می‌گیرد نظرش تنها متوجه گروه فضلا و ادیباست و اصلا انتقانی به سایرین ندارد و حتی اشخاص بسیاری را نیز که سواد خواندن و نوشتن دارند و نوشته‌های ساده و بی‌تکلف را به‌خوبی می‌توانند بخوانند و بفهمند هیچ در مدنظر نمی‌گیرند؛ و خلاصه آنکه پیرامون «دموکراسی ادبی» نمی‌گردد. (همان) او مشکل اساسی را به‌درستی در زبان نوشتار می‌دید و در فاصله عمیقی که بین زبان گفتار و زبان نوشتار وجود داشت، مشکل خود جمال‌زاده هم این بود که از موطن این زبان گفتاری، که باید جواز ورود به حیطه مکتوبات پیدا می‌کرد، دور بود. دراحل این مشکل را او اینگونه دید که یکی یکی لغات و اصطلاحاتی را که به‌قول خودش «مشتی‌ها به‌کار می‌پرند و از ایرانی‌هایی که در اطرافش بودند می‌شنید؛ یادداشت کند و در نوشته‌هایش به‌کار ببرد. او در ضمن خواندن رمان‌های مطرح روزگار خود بی برد که بهترین وسیله ایجاد ارتباط و تبادل تجربیات با آدم‌هایی که خواندن و نوشتن می‌دانند نوشتن «انشای حکایتی» است. داستان‌های او اگرچه شکل روایی این نوع ادبی معاصر را دارد، اما در عین حال عاری از قصه‌گویی و افسانه‌یافی ادبیات کلاسیک فارسی نیست؛ به کلی کلی‌گویی‌های ادبیات کلاسیک را داراست و هم جزئی‌نگری‌های ادبیات امروز غرب را. با انتشار «یکی بود یکی نبود» (۱۹۲۱)، ضرورت‌هایی که برای جمال‌زاده مطرح شده بود به ضرورت‌های داستان معاصر ایران تبدیل شد؛ با انتشار این کتاب بود که زبان گفتار زبان روایت‌های مکتوب (داستان، رمان و…) شد و کشف شکل‌های مختلف روایت (به‌عنوان یک نوع ادبی) برای نویسندگان ضروری شد؛ اتفاقی که با صادق هدایت به‌وقوع پیوست. جایگاه جمال‌زاده در ادبیات معاصر ایران در طرح ایسن ضرورت‌ها بود، ضرورت حذف فاصله زبان گفتار و زبان نوشتار و ضرورت کشف ساختار و شکل‌های متعدد روایت با اتکا به دستاوردهای داستان‌نویسی غرب. ولی با هدایت بود که این ضرورت‌ها اجرا شد و داستان‌نویسی به‌منتهای یک نوع متعالی ادبی متولد شد.

ظهِیرالدوله

مدیرمسوول، آدینه» در گذشت

● **شرق:** غلامحسین ذاکری، مدیرمسوول مجله «آدینه» در ۷۰سالگی درگذشت. او مدت‌ها بود که از عرصه روزنامه‌نگاری دور بود. او به‌همراه جمعی دیگر در سال ۱۳۴۴ مجله آدینه را راه‌اندازی کرد؛ مجله‌ای که انتشار آن نزدیک به ۱۴سال تا شماره ۱۴۳ ادامه یافت. ذاکری در سال ۵۱ پس از فارغ‌التحصیلی به‌عنوان «گوینده رادیو ایران» استخدام شد و مدت‌ها گوینده برنامه «ره‌شب» بود. آدینه از مجلات پرطرفدار ادبی بود. این مجله در سال ۷۷ توقیف و در سال ۸۱ از اتهامات تبرئه شد.

برداشت آخر

«شب‌های نینوایی» انجمن شاعران ایران بر گزار شد

عاشورا به روایت خاتمی

عسل عباسیان



عکاس: نیسانا

انجمن شاعران ایران، پنج‌شنبه در شب‌های ماه محرم میزبان علاقمندان به شعر و شعور و عاشورا بود. پنج‌شبی که از سوم ماه محرم شروع شد و دیشب آخرین شب خود را پشت‌سر گذاشت. این سلسله‌نشست‌های سوگواری با عنوان «شب‌های نینوایی» شامگاه یکشنبه ۱۹آبان میزبان «سیدمحمد خاتمی» رئیس‌جمهور پیشین ایران و جمعی دیگر از اهالی شعر و کلمه بود. در این مراسم، پس از قرائت قرآن توسط قاری، «سهیل محمودی» که دبیری این مراسم و اجرای آن را برعهده داشت، محفل را با غزلی از خواجه شیراز حضرت حافظ، آغاز کرد. پس از شعرخوانی «سهیل محمودی»، «علی‌اکبر حجازی» خواننده و «امحمود مرادی حقیقی» نوازنده نی به‌همراه «ساعدا باقری» به اجرای شعر «نی‌نامه» از مرحوم «قصر امین‌پور» پرداختند. سپس «مهدی ارگانی» سخنران چهارمین شب «شب‌های نینوایی» پشت تریبون رفت و دقایقی در مورد فرهنگ عاشورا و چیستی گریه بر مصایب حسین‌ابن‌علی(ع) صحبت کرد.

پس از سخنرانی «مهدی ارگانی» نوبت به شعرخوانی جمعی از شاعران رسید. «حسین جنتی» نخستین کسی بود که پشت تریبون رفت و خواند: «باید گریست در غم شیری که اندر آن/مشتی اسیر، گریه به آزادای کنند»؛ شاعر بعدی «فاطمه راکی» بود و قطعه شعری را با شور و هیجان خاصی برای حاضران خواند، طوری که از چهره مستمعان می‌شد فهمید که مقصود شاعر را از ورای کلمات دریافته‌اند و او را تحسین می‌کنند. سپس «محمدرضا طاهری» شاعر جوانی بود که دو شعر برای حضار سخنرانی و «عبادالجبار کاکایی» آخرین شاعری بود که پشت تریبون رفت، برنامه بعدی طبق معمول همه «شب‌های نینوایی»، مقتلخوانی «ساعدا باقری» بود که به‌سبب تسلط او بر متون کهن و نحوه صحیح خوانش و صدای روحانی و اثرگذارش مورد توجه عموم حضار واقع شد.

پس از مقتل خوانی او که با ترشدن چشم‌های اغلب حاضران همراه بود، «سهیل محمودی» از «سیدمحمد خاتمی» خواست تا دقایقی برای حضار صحبت کنند و با بلندشدن صدای صلوات جمع، «آقای خاتمی» از جا برخاست و پشت تریبون رفت.

رئیس‌جمهور دوران اصلاحات در ابتدا با تسلیت ایام شهادت حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع) و یاران او، حضورش در این مجلس را نعمتی برای خود دانست و با اشاره به مباحث عمیق و شعرهای ظریف و پرباری که شاعران قرائت کردند، گفت: «جای تاسف و تاز است از اینکه چهره اباعبدالله(ع) درست خلاف آن چیزی است که باید در جامعه ترویج می‌شد.» رئیس دولت اصلاحات سپس باانتقاد از چهره ترسیم‌شده از اباعبدالله‌الحسین در جامعه امروز ادامه داد: «امام‌حسین(ع) می‌خواست انسان عزیز باشد و این عزت سرمایه‌ای است که با هیچ‌چیز قابل معامله نیست و امام نشان داد برای این عزت حاضر است که بالاترین سختی‌ها را تحمل کند.» وی سپس ادامه داد: «شاید آنچه اتفاق افتاده هم با حسن‌نیت بوده ولی لاقابل این انتظار بود که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی که خودش درس گرفته از کربلا بود و از آن سرچشمه آمده بود ما نحوه دیگری نگاه داشته باشیم به اباعبدالله. خیلی نکته‌ها و پیام‌ها مهمی در زندگی اباعبدالله هست ولی آنچه آدم می‌تواند خلاصه کند و بگوید این است که



روزنامه

سه‌شنبه ۲۱ آبان ۱۳۹۲ • ۸ محرم ۱۴۳۴ • ۱۲ نوامبر ۲۰۱۳ • سال یازدهم • شماره ۱۸۸۰ • ۱۶صفحه

عزاداری در خانه هنرمندان

شرق: خانه‌هنرمندان ایران در طول سال برنامه‌های مذهبی مختلفی بر گزار می‌کند که معمولا در دهه اول ماه محرم برنامه‌های عزاداری مردمی برگزار می‌شند ولی امسال تصمیم گرفته شده تا برنامه‌های ویژه در دهه دوم یعنی از جمعه ۲۴ آبان تا یکشنبه ۳ آذر برگزار شود. در اولین شب، پرده‌خوانی مرشد «رجبعلی صالحی» از تربت حیدریه (ساعت ۱۷:۳۰)، الحان محرم (ساعت ۱۸) و پرده‌خوانی (ساعت ۱۸:۳۰) در فضای باز خانه هنرمندان ایران اجرا می‌شود.

بی‌بتهی

۵کماندار نوگرای شعر ومانتیک فارسی



داریوش معمار

● فریدون توللی، هوشنگ ابتهاج، نادر نادریور، سیلوش کسرابی و پرویز ناتل خانلری را می‌توان پنج‌کماندار بزرگ شعر رمانتیک فارسی دانست. در این میان نقش فریدون توللی به لحاظ تأثیرگذاری بر هم‌سنان خود و شاعران جوان‌تر و شهری که سبک او با عنوان نو تغزلی یا شعر توللی‌وار پیدا کرده، از دیگران بارزتر است؛ هرچند غبار زمان از شهرت این شاعر در گذشته پاییز ۱۳۴۴ کاسته و امروز کمتر نامی از او به‌نسبت دیگران برده می‌شود. توللی متولد شیراز است. او شهیرترین شاعر نوگرای خطه فارس طی ۶۰سال گذشته بوده و سبک و سیاقش بیش از تمام هم‌شهریان هم نسل وی بر دیگران از فروغ فرخزاد گرفته تا نادر نادریور تأثیر گذاشته. او جزو نخستین پیروان شعر نیما نیز بوده، که در دوره نخست کار شاعری پدر شعر نو فارسی در صف حامیان او و رواج‌دهندگان نظراتش ایستاد، اما پس از آنکه نیما به شعر سمبولیک تمایل پیدا کرد، او نیز به بهانه سرخوردگی مخاطب شعر، از وی فاصله گرفت و حتی در کنار منتقدان جدی و تمام وقت شعر نیما درآمد.

شاعر خوش‌قریحه شیراز، هم‌جوار حافظ عاشقانه‌سرای بزرگ و هم خاک معدی دیگر غزلسرای نامی ادبیات فارسی، که با سرودن شعر بشیمایی در ۱۳۱۹ قدم در راه نوپردازی گذاشت در سال ۱۳۲۹ با انتشار مجموعه رها به شهرت رسید و با نشر دادن مجموعه ناه در اواخر دهه ۳۰ سخت‌ترین انتقادها را به نیما و شاگردانش وارد کرد.

در میان پنج‌کماندار شعر رمانتیک نیز تنها فریدون توللی است که تا آخر عمر در همان سبک رمانتیک و عشقی و البته سیاه و سفید باقی مانده، هوشنگ ابتهاج بعدها به صف شاعران رمانتیک اجتماعی و سپس غزلسرایان نامی پیوست تا آنجا که حافظ زمانه لقبش شد، نادر نادریور در چهارپاره‌سرایی به شهرت بسیار رسید و سبک رمانتیک را در کنار نگاه اجتماعی قرار داد، به او عنوان تصویرساز یگانه شعر نو را باید نسبت داد، سیلوش کسرابی که از همان ابتدا نیز در سبک رمانتیسیسم اجتماعی قدم برداشته بود، با سرودن شعر آرش پرچمدار شعر مقاومت و چریکی ایران، پدر معنوی این جریان لقب گرفت و پرویز ناتل خانلری نیز که به سبب ۳۰سال ممارست در انتشار مجله سخن و ترویج ادبیات و شعر فارسی در طول این زمان موفق به ثبت نام مکتبی در سال‌های دهه ۳۰ با عنوان سخن شده بود، شاعری‌اش تا انتهای دهه ۴۰ دوام دارد و عملا از او نامی در اندازه پژوهشگری صاحب نام و ارجمند به جای ماند، البته هیچ‌کدام از این مسایل به این معنا نیست که در گذر زمان این امکان وجود ندارد که سرنوشت اصحاب کماندار شعر رمانتیک‌روزی از نواحیا شده و شکلی دیگر پیدا کند.

توللی در کنار شعر، به باستان‌شناسی نیز علاقه جدی داشته تا آنجا که مدتی رئیس اداره باستان‌شناسی فارس بوده و در سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد که در نتیجه آن وی از کار سیاسی به‌طور کامل فارغ شد، در کتابخانه دانشگاه شیراز به کار مشغول بوده. یادش روشن.

ادامه از صفحه اول

تحول‌های شگفت‌انگیز انسانی

حتی کسلانی را گماشته‌بود تا خوب دیگران را زیر نظر گیرند و او خوب می‌دانست‌که چون این روند آغاز نشود در نیست‌که سدهای خلانات آندکندک‌در سپاه حسین(ع) تبدیل شود. معاویه در طول مدت خلافت و درواقع سلطنت خود کوشیده بود با استفاده از انواع و اقسام ترغندها و شیوه‌ها اخلاق و سیره نبوی و علوی را به افسانه تبدیل کند و اخلاق و سیره اموی را جای آن بنشاند. اخلاق و سیره اموی هم فقط در یک نکته جلوه می‌یافت: اطاعت و بس. گرچه ماجرای واقعه کربلا از معدود واقعه‌هایی است که روایان به ثبت‌وضبط جزئیات بسیاری از آن اهتمام داشته‌اند، اما به‌هرحال بسیاری از نکات مهم ناتوانسته مانده و چپ‌ساکسانی هم در روزگار از آن مطلع نشده باشند. مثلا روشن نیست که زهرین‌قین از امام چه شنید؟ یا چه دید که در او تا این حد موثر افتاد. با اینکه امام از یاران و خاندان خوش‌نواختست که به‌اندازه امام را تنها نگذاشتند، بلکه هر یک در اعلام وفاداری به آن حضرت بر دیگری سبقت می‌گرفت. آن صحنه نشان داد که یاران آن حضرت به اختیار و بیش از آن با عشق و علاقه بسیار به آن حضرت پیوسته‌اند و اعلام ارادت و همراهی امام در تأمیدی مطلق از هرگونه پیشرفت و امید به پیروزی صورت گرفته است. بسیاری از آنان رفتار امام را دیده بودند و تنها با گفتار امام جديش نشده بودند. در سیره امامحسین علیه‌السلام پیوستن به راه حق، می‌یابد با اختیار باشد، نه با زور و اجبار و وعده، انسان حق‌جو می‌یابد به انتخاب و اختیار خود به این راه وارد شود و در پی یافتن حق باشد. هرگونه اجباری در پی‌موند راه حق، درواقع نوعی نقض‌غرض است و راه به جای نمی‌برد.

دیالوگ

بهروز افخمی و ضرورت واقع گرایی

فیلم‌های تاریخ اسلام

می‌کند. او می‌گوید: «فکر می‌کنم در داستان پردازی بیش از هر چیز باید در آدم باور به وجود آورد. وقتی بازیگران در دورانی از تاریخ عراق فارسی حرف می‌زنند آدم دیگر باور نمی‌کند و ادامه نمی‌دهد. بدش این سوال مطرح است که آیا لباس‌ها درست است؟ آیا فضای تاریخی آن‌موقع درست است؟ آیا زن‌ها واقعا اینجوری بوده‌اند که ما در فیلم‌های واقعی می‌بینیم. نور درست است. بعضی از قصرها در فیلم‌های تاریخی پر از نور است و معلوم نیست که این نور از کجا آمده است. انگار سقف را برداشته‌اند. همه اینها به‌تنهایی می‌تواند باور تماشاگر را از بین ببرد.»

کارگردان فیلم شوکران در ادامه عنوان می‌کند: «جالب است بدانید قصه‌های قدیمی خیلی تاریک بوده و به‌خاطر اینکه قصرها را گرم نگه دارند نمی‌توانستند پنجره‌ها را بزرگ درست کنند.» منظور افخمی این نیست که معماری اسلامی دقیقا اینجوری باشد. از نظریه این فیلم خیلی زیاد است. ما این فیلم را به‌تدریج و مرحله‌به‌مرحله شروع می‌کنیم و فیلم اول را می‌سازیم و اگر هزینه خودش را درآورد و به سوددهی رسید آن‌وقت فیلم‌های بعدی را شروع می‌کنیم. الان هم درواقع می‌خواهیم فیلمی را بسازیم که قسمت چهارم آخرین روزهای زمستان است.»

او در ادامه می‌گوید: «هزینه این فیلم خیلی زیاد است. ما این فیلم را به‌تدریج و مرحله‌به‌مرحله ساخت می‌کنیم و فیلم اول را می‌سازیم و اگر هزینه خودش را درآورد و به سوددهی رسید آن‌وقت فیلم‌های بعدی را شروع می‌کنیم. الان هم درواقع می‌خواهیم فیلمی را بسازیم که قسمت چهارم آخرین روزهای زمستان است.»

بسا توجه به اینکه در ایام محرم قرار داریم از افخمی می‌پرسیم آیا هیچ‌کدام درصدد ساخت فیلمی درباره واقعه عاشورا نبوده است. او می‌گوید: «ساختن فیلم روز واقعه قبل از اینکه شهرام اسدی آن را بسازد سال‌ها قبل به من پیشنهاد شده بود؛ درست‌بعد از اینکه سریال کوچک جنگلی تمام شد ولی من به این کار علاقه‌مند نبودم. چون درمورد فیلم‌های تاریخ اسلام که تاکنون ساخته شده همه درواقع فارسی صحبت می‌کنند. اگر اینطور بود که مل گیبسون فیلم مصائب مسیح را به زبان عبری قدیم نمی‌ساخت، یا فیلم دیگرش را به زبان مایایی که زبان راموش‌شده‌ای است. برای اینکه تماشاچی سینما انتظار واقع‌گرایی دارد و این انتظار دارد هرروز بیشتر می‌شود.»

به نظر افخمی باید این طراحی برای فیلم‌ها و سریال‌های تاریخ اسلام صورت گیرد که آنها ابتدا به زبان عربی ساخته شوند و بعد به زبان فارسی دوبله شوند. به این ترتیب بازار خیلی بزرگ‌تری هم به وجود می‌آید برای نمایش این آثار برای مردم عرب. افخمی همه این موارد را می‌گوید برای اینکه به گفته خودش توضیح بدهد که چگونه به داستان‌پردازی نگاه و با آنها ارتباط برقرار نمی‌کنم»

محبیا رضایی: بهروز افخمی، کارگردان جنجالی سینما این‌روزها در حال فیلم‌برداری آخرین ساخته‌اش با عنوان آذر، شهسخت، پرویز و دیگران است، فیلمی که برای جشنواره فیلم فجر امسال آماده می‌شود.

یکی از پروژه‌هایی که افخمی قصد دارد آن را در آینده تولید کند، ساخت یک مجموعه فیلم جنگی به‌هم‌پیوسته است که قرار است به تهیه‌کنندگی ساداتیان، تهیه‌کننده فیلم فعلی‌اش ساخته شود. خود افخمی در این‌باره می‌گوید: «من طرحی برای سه الی چهار فیلم جنگی که به‌هم‌پیوسته باشند، دارم، مثل مجموعه آریاب حلقه‌ها یعنی چهار قسمت سه‌ساعته و بر اساس زندگی حسن باقری (غلامحسین افشردی) و برپایه سریال مستند داستانی آخرین روزهای زمستان. من یک چنین طرحی دارم و آقای ساداتیان هم علاقه‌مند به ساخت آن است.»

او در ادامه می‌گوید: «هزینه این فیلم خیلی زیاد است. ما این فیلم را به‌تدریج و مرحله‌به‌مرحله ساخت می‌کنیم و فیلم اول را می‌سازیم و اگر هزینه خودش را درآورد و به سوددهی رسید آن‌وقت فیلم‌های بعدی را شروع می‌کنیم. الان هم درواقع می‌خواهیم فیلمی را بسازیم که قسمت چهارم آخرین روزهای زمستان است.»

بسا توجه به اینکه در ایام محرم قرار داریم از افخمی می‌پرسیم آیا هیچ‌کدام درصدد ساخت فیلمی درباره واقعه عاشورا نبوده است. او می‌گوید: «ساختن فیلم روز واقعه قبل از اینکه شهرام اسدی آن را بسازد سال‌ها قبل به من پیشنهاد شده بود؛ درست‌بعد از اینکه سریال کوچک جنگلی تمام شد ولی من به این کار علاقه‌مند نبودم. چون درمورد فیلم‌های تاریخ اسلام که تاکنون ساخته شده همه درواقع فارسی صحبت می‌کنند. اگر اینطور بود که مل گیبسون فیلم مصائب مسیح را به زبان عبری قدیم نمی‌ساخت، یا فیلم دیگرش را به زبان مایایی که زبان راموش‌شده‌ای است. برای اینکه تماشاچی سینما انتظار واقع‌گرایی دارد و این انتظار دارد هرروز بیشتر می‌شود.»

به نظر افخمی باید این طراحی برای فیلم‌ها و سریال‌های تاریخ اسلام صورت گیرد که آنها ابتدا به زبان عربی ساخته شوند و بعد به زبان فارسی دوبله شوند. به این ترتیب بازار خیلی بزرگ‌تری هم به وجود می‌آید برای نمایش این آثار برای مردم عرب.

افخمی همه این موارد را می‌گوید برای اینکه به گفته خودش توضیح بدهد که چگونه به داستان‌پردازی نگاه و با آنها ارتباط برقرار نمی‌کنم»